

بررسی کار و فعالیت اقتصادی از دیدگاه اسلام

نویسنده: پرگل شمسی^۱

استاد ناظر: دکتر مهدی اسلامی^۲

پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۵

دریافت: ۱۳۹۲/۲/۲۴

چکیده

کار یکی از مقوله‌های اساسی در فرهنگ جامعه انسانی است. کار از نظر لغوی به معنای فعل و عمل و کردار انسان است. در اصطلاح - کار - هر فعالیتی است که باعث می‌شود تغییر در ارزش کالا یا ارائه خدمتی به وجود آید و جهت آن رسیدن به هدفی است. با نگاهی به سیره معصومین علیهم‌السلام در می‌یابیم که تلاش و پرداختن به فعالیت‌های اقتصادی از برجسته‌ترین ویژگی‌های آن بزرگواران است. معصومین علیهم‌السلام نه تنها مردم را به کار و فعالیت دعوت می‌کردند، بلکه اسوه‌های عملی کار و تلاش بودند.

بیکاری و تنبلی در دین اسلام امری نکوهیده است. بیکاری نه تنها ضربه اقتصادی به فرد و جامعه می‌زند، بلکه ضرر و خطر بزرگ‌تر آن، آسیب‌های روحی و روانی است. یکی از ملاک‌ها و معیارهای اسلامی پیرامون کار و شغل، داشتن آگاهی و شناخت لازم از کار است. در اسلام نه تنها کار و تلاش جایگاه بلندی دارد، بلکه تلاش برای کارآفرینی نیز عمل نیک و پسندیده‌ای است. در دین مبین اسلام فواید فراوانی برای کار برشمرده شده که برخی از آن‌ها عبارتند از: احساس لذت، عزت نفس و کرامت نفس، تمرکز قوه خیال، تندرستی و کسب نورانیت و رضوان الهی. از دیدگاه اسلام در کار و فعالیت باید جانب اعتدال را رعایت کرد و دچار افراط و تفریط نشد. از دیدگاه این دین الهی، وجدان کاری یکی از مسایل مهم در انجام کار است، یک شخص عامل بدون تعهد، یک عامل خوب نیست. هر کدام از زن و مرد می‌توانند کار کنند و حاصل دست‌رنج آن‌ها متعلق به خود آن‌هاست؛ البته زنان باید از اختلاط با مردان پرهیزند.

دین اسلام برای کار و کارگری مقام و جایگاه بالایی قائل بودند. یکی از مسایل مورد توجه اسلام، رعایت حق کارگر است. تأمین اجتماعی کارگران نیز مورد توجه بزرگان دین اسلام است. از دیدگاه اسلام کسی که در جامعه تلاش و کوشش می‌کند، باید آینده‌اش تأمین باشد و با از کار افتادگی نباید از معیشت خود ساقط شود. در نگاه اسلامی هر درآمدی حلال نیست بلکه در آمدی حلال است که به حقوق الهی و انسانی ضربه نزند. در این مقاله تلاش شد تبیینی از مسایل مورد اشاره انجام شود.

واژگان کلیدی: کار، فعالیت اقتصادی، عزت نفس، وجدان.

۱- کارشناس ارشد اخلاق اسلامی، gol1647@gmail.com

۲- استاد دانشگاه قم، mehdiislami2010@gmail.com

مقدمه

هر جامعه‌ای برای تداوم حیات و بقای خود به کار و فعالیت مردم و مسئولان احتیاج دارد. نیاز به کار یکی از نیازهای اساسی بشر بوده و هرچه می‌گذرد، بر اهمیت آن افزوده می‌گردد. کار سهم بزرگی از زندگی انسان را در بر می‌گیرد. اگر افراد جامعه‌ای به طور نسبی بتوانند کار و شغل مناسب به دست آورند و شغل آنان متناسب با استعدادها، توانایی‌ها و علایق آن‌ها باشد؛ زمینه برای نوآوری، ابتکار، رشد و پیشرفت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه به وجود می‌آید.

بر عکس اگر زمینه‌های اشتغال و کار در جامعه محدود و تقاضا برای کار بسیار باشد، به تدریج بیکاری افزایش می‌یابد. گسترش بیکاری منجر به آسیب‌ها و پیامدهای ناگوار اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و... در جامعه می‌شود. با توجه به نقش کلیدی کار و تلاش در سعادت دنیوی و اخروی بشر، این امر در فرهنگ دینی ما جایگاه ویژه‌ای دارد. در این مقاله سعی می‌شود کار و فعالیت در دین مبین اسلام مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار بگیرد.

۱) تعریف کار

از نظر لغوی کار به معنای فعل و عمل و کردار انسان است. در اصطلاح عبارت است از هر فعالیتی (اقتصادی یا غیر اقتصادی) که باعث می‌شود تغییر در ارزش کالا یا ارائه خدمتی به وجود آید و جهت آن رسیدن به هدفی است. از نگاهی دیگر کار عبارت است از استفاده‌ای که انسان از قوای مادی و معنوی خود در راه تولید ثروت یا ایجاد خدمات می‌کند.

۲) اهمیت و جایگاه کار در اسلام

یکی از آموزه‌های مهم پیشرفت و سعادت فرد و اجتماع، اشتغال به کار و فعالیت‌های اقتصادی است. هر جامعه‌ای برای تداوم حیات و بقا به کار و فعالیت نیاز دارد. مکتب حیات‌بخش اسلام جهت نیل به اهداف مادی و معنوی، انسان را به تلاش مفید و سازنده ترغیب می‌نماید.

خداوند متعال در آیات مختلف به انسان‌ها یادآوری نموده که او منابع و امکانات را برای آن‌ها آفریده و جهان را مسخر انسان قرار داده و آنان را به جستجو در زمین، بهره‌مندی از منافع آن، آباد کردن و برطرف ساختن نیازهای معیشتی به وسیله امکانات نهفته در آن تشویق نموده و با بیان‌های مختلف، اهمیت آن را گوش‌زد نموده است:

«وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحْوَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّبِئْتَمُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ» [اسراء/ ۱۲]؛ ما شب و روز را دو نشانه (توحید و عظمت خود) قرار دادیم. سپس نشانه شب را محو کردیم و نشانه روز را روشنی‌بخش ساختیم تا در پرتو آن، فضل پروردگارتان را بطلبید.

- (هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ) [ملک/ ۱۵]؛ او خدایی است که زمین را برای شما رام قرار داد، پس در راه‌های آن حرکت کنید و از روزی آن بخورید و بازگشت شما در قیامت به سوی اوست.

قرآن کریم کار و تلاش را هم پایه جهاد در راه خدا می‌داند: (وَآخِرُونَ يُضْرَبُونَ فِي الْأَرْضِ يَتَتَفَوَّنَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخِرُونَ يَمْتَلِئُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ) [مزمّل/ ۱۳]؛ برخی از شما برای تجارت و کسب درآمد به سفر می‌روند و از کرم خدا روزی می‌طلبند و برخی دیگر به جهاد در راه خدا می‌پردازند.

خداوند در آیه‌ای دیگر انجام اعمال نیک را لازمه اعتقاد به معاد می‌داند و می‌فرماید: (فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا) [کهف/ ۱۱۰] پس هر کس آرزومند ملاقات پروردگارش باشد حتماً کار کند، کار شایسته؛ و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید هر کسی حاصل دست‌رنج خویش را می‌بیند: (وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى، وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يَرَى) [نجم/ ۳۹ و ۴۰]؛ و به درستی که برای انسان جز آن‌چه به سعی و تلاش خود انجام داده، نخواهد بود و البته انسان نتیجه سعی و تلاش خود را خواهد دید.

با نگاهی به سیره معصومین علیهم‌السلام نیز در می‌یابیم که تلاش و پرداختن به فعالیت‌های اقتصادی از برجسته‌ترین ویژگی‌های آن بزرگواران است. آنان با این روش درس بزرگی و عزت نفس به پیروان راستین خود آموخته‌اند. پیشوایان مکرم اسلام علیهم‌السلام نه تنها مردم را تشویق به سعی و تلاش می‌کردند بلکه کسب روزی حلال را عبادت می‌دانستند. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْأً أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳، ص. ۸۱)؛ عبادت هفتاد جزء دارد که بهترین آن کسب حلال است.

در نگاه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کار کردن، در ردیف جهاد در راه خدا است. آن حضرت در این باره می‌فرماید: «هر کس از راه حلال، برای استغنای خود و خانواده‌اش تلاش کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد کرده است؛ و هر کس با تلاش و آبرو در پی حلال دنیا باشد، در مرتبه شهدا خواهد بود». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰، ص. ۱۰)

روایت شده است «روزی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با اصحاب خود نشسته بودند، جوان توانا و نیرومندی را دیدند که اول صبح به کار و کوشش مشغول شده است. کسانی که در محضر آن حضرت بودند، گفتند این جوان شایسته مدح و تمجید بود اگر جوانی و نیرومندی خود را در راه خدا به کار می‌انداخت. حضرت فرمود: این سخن را نگویند، اگر این جوان برای معاش خود کار می‌کند که در زندگی محتاج دیگران نباشد و از مردم مستغنی گردد، او با این عمل در راه خدا قدم بر می‌دارد، هم‌چنین اگر کار می‌کند به نفع والدین ضعیف یا کودکان ناتوان که زندگی آنان را تأمین کند و از مردم بی‌نیازشان سازد، باز هم برای خدا می‌رود»؛ (به نقل از فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص. ۱۴۹).

زمانی که آیه: (وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ) [طلاق/ ۳ و ۲]؛ «هر کس که تقوای الهی داشته باشد، از جایی که فکر نمی‌کند روزی او می‌رسد» نازل شد، عده‌ای با نزول این آیه کسب و کار خود را تعطیل کردند و به عبادت رو آوردند و گفتند: خدا روزی ما را می‌رساند و این انحراف در دین بود. پیامبر اکرم ﷺ وقتی این جریان را شنیدند همه را فرا خواندند و فرمودند: چه سبب شد دست از کار کشیدید؟! گفتند: این آیه؛ حضرت فرمودند: کسی که چنین کند دعای او مستجاب نمی‌شود و مشمول رحمت خدا نیست؛ «عَلَيْكُمْ بِالطَّلَبِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص: ۲۷)؛ به دنبال کار و روزی حلال بروید. آن حضرت در حدیثی دیگر فرمودند: «هر کس بتواند بدون ستم و تجاوزی بنایی بسازد یا بدون ستم و تجاوزی درختی در زمین بنشاند، پاداشی جاری دارد که تا یکی از بندگان خدای رحمان از آن استفاده کند، به او داده خواهد شد.» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص: ۴۶۰)

از تأکیدات مهم اسلام به انسان‌ها، آن است که در هیچ زمانی از زندگی خود، از کار و تلاش باز نایستند. انسان همواره باید در عرصه‌های مختلف زندگی که بخشی از آن تلاش برای تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی است، به صورت جدی و مستمر کوشش کند تا در پرتو چنین تلاش‌ها و زحماتی، جامعه دینی، هم از جهت فردی به صلاح دست یابد و هم از جهت اجتماعی به اهداف خود نایل شود. رسول مکرم اسلام ﷺ می‌فرماید:

«لَنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَفِي يَدِ أَحَدِكُمُ الْقَسِيلَةُ فَلَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا تَكُونَ السَّاعَةُ حَتَّى تَبْرِسَهَا فَلْيَبْرِسْهَا» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص: ۴۶۰)؛ اگر قیامت بر پا شود و در دست یکی از شما نهالی باشد، اگر بتواند چنان کند که کمی پیش از قیامت آن را بکارد، باید بکارد.

امیرالمؤمنین علیؑ می‌فرماید: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ أَنَّكَ تَأْكُلُ مِنْ يَتِّتِ الْمَالِ وَلَا تَعْمَلُ بِيَدِكَ شَيْئًا قَالَ فَبَكَى دَاوُدُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى الْحَدِيدِ أَنْ لَنْ يَتَّبِدِي دَاوُدَ فَالَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْحَدِيدُ فَكَانَ يَعْمَلُ كُلَّ يَوْمٍ دَرْعًا فَيَبِيئُهَا بِأَلْفِ دِرْهَمٍ فَعَمِلَ ثَلَاثِينَ دَرْعًا فَبَاعَهَا بِثَلَاثِينَ أَلْفًا وَاسْتَفْتَى عَنْ يَتِّتِ الْمَالِ» (به نقل از صفاخواه، ۱۳۷۶، ج ۲، ص: ۵۵).

خداوند به داوود پیغمبر ﷺ وحی فرستاد که تو بنده خوبی هستی، به شرطی که از بیت‌المال مصرف شخصی نکنی و کاری را با دست خودت انجام دهی و امرار معاش کنی. حضرت داوود ﷺ سخت گریست. خداوند عزوجل به آهن وحی کرد که در برابر داود ﷺ نرم شود و آهن نرم شد. حضرت داوود ﷺ نیز، هر روز زرهی می‌ساخت و به هزار درهم می‌فروخت و از مصرف کردن بیت‌المال بی‌نیاز گشت.

۳) حرفه‌های کاری

هر کاری که باعث کسب روزی حلال شود کاری مفید است، اما در روایات معصومینؑ، به بعضی از کارها توجه ویژه‌ای شده است که به چند مورد آن اشاره می‌شود:

الف- کشاورزی

کشاورزی نقش بی‌بدیلی در حیات انسان دارد. یکی از محصولات حاصل از کشاورزی، نان است که «قوت لایموت» نامیده می‌شود و بدون آن زندگی بشر به خطر می‌افتد.

تأثیر سایر انواع محصولات کشاورزی بر زندگی انسان، بر کسی پوشیده نیست. بر این اساس پیشوایان ما از شغل کشاورزی به عنوان یک پیشه خوب یاد کرده‌اند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کیمیای بزرگ، زراعت است». (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص. ۲۶۱) آن حضرت در حدیثی دیگر فرمودند: «درخت برای او (انسان) آفریده شده و او مکلف است که آن را در زمین بنشانند و آب دهد و به آن رسیدگی کند». (توحید المفضل، ۱۳۷۹، ص. ۸۶)

هم‌چنین حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید: «ای مفضل! به یاد آر و ببیندیش در علمی که خدا به انسان داده است... از جمله علم به آنچه صلاح دنیای وی در آن است؛ یعنی زراعت و درخت‌کاری و استخراج معادن و بیرون آوردن آب از زمین». (توحید المفضل، ۱۳۷۹، ص. ۸۶)

ب- دامداری

قرآن کریم در مورد نقش حیوانات اهلی در زندگی انسان می‌فرماید: **(وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ)** [نحل / ۵]؛ چارپایان را آفرید که برای شما در آن‌ها گرما (پوشش گرم‌کننده) و سودهایی است؛ و از (گوشت و شیر) آن‌ها می‌خورید. بر اساس نقش و تأثیری که حیوانات در حیات اقتصادی انسان دارند، معصومین علیهم السلام حرفه دامداری را یک حرفه مناسب دانسته‌اند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عمه خویش فرمودند: «چه مانعی دارد که برکت را به خانه خود بیاوری؟» گفت: یا رسول الله! برکت چیست؟ فرمود: «گوسفندی شیرده؛ چه آن کس که گوسفندی شیرده یا گوساله‌ای یا ماده گاوی در خانه خود داشته باشد، همه این‌ها برکت است». (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص. ۵۴۵)

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «به آدمی علم آنچه صلاح دنیای وی در آن است آموخته شده است، مانند زراعت کردن و گوسفندداری و نگاه‌داری و تکثیر و تربیت چارپایان». (توحید المفضل، ۱۳۷۹، ص. ۸۱)

ج- ماهی‌گیری و بهره‌وری از دریا

آبزیان دریایی از جمله ماهی و میگو، در تغذیه و رژیم غذایی انسان و سلامتی او نقش بسزایی دارند؛ علاوه بر این که دریا منبع غذایی خوبی برای انسان است، فواید دیگری نیز برای او دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: از طریق کشتی‌رانی روزانه هزاران نفر جابه‌جا می‌شوند و صدها تن بار به جاهای مختلف منتقل می‌گردد. در دریا گوهرهای گران‌قیمت وجود دارد.

بر این اساس خداوند متعال خلقت دریا و منافع آن و بهره‌گیری انسان از این منافع را یکی از نشانه‌های خداشناسی می‌داند و می‌فرماید: **(هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا مَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَازِرَ فِيهِ وَلِيَتَّخِذُوا مِنْ قَضَاهُ)** [نحل / ۱۴]؛ اوست که مسخر کرد برای شما دریا را تا بخورید از آن گوشت تازه، و برآرید از آن زیوری که در بر کنید و ببینید در آن کشتی‌ها را شکافنده و بجوید از فضل او.

با این اوصاف، کار در دریا شغل بسیار مناسبی است و بزرگان دین ما نیز بر شغل ماهی‌گیری و بهره‌گیری از دریا تأکید کرده‌اند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به مردم بصره می‌فرماید: «[خداوند] آب را مسخر شما کرد که صبح و شام در اختیار شما باشد تا معاش شما را راست کند، و دریا را سبب فزونی درآمد شما قرار داد»؛ (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۷، ص ۲۲۶).

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «به آدمی آموختند که چگونه امور دنیای خود را سامان دهد و نیازهای خویش را در زندگی برآورده سازد، مانند زراعت کردن و استفاده از کشتی و غواصی در دریا و تدبیرهای گوناگون برای شکار کردن پرندگان و ماهیان». (توحید المفضل، ۱۳۷۹، ص: ۸۱)

د- تجارت

تجارت نیز از جمله پیشه‌هایی است که مورد سفارش پیشوایان معصوم علیهم السلام قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «خدای بزرگ، پیشه‌ور امین را دوست می‌دارد». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۱۰۰).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس در پی کسب و تجارت رود، از مردم بی‌نیاز شود». (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۴۸).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در تبیین کلی بحث فرمودند: «برکت ۱۰ جزء است؛ نه [جزء آن] در بازرگانی است و یک [جزء دیگر] در جلود (گوسفند)». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۱، ص ۱۱۹).

۴) تبیین برخی از موضوعات کار و فعالیت اقتصادی در اسلام

الف- اول تخصص و آگاهی، سپس کار

یکی از ملاک‌ها و معیارهای اسلام پیرامون کار و شغل، آگاهی داشتن و شناخت لازم از کار است؛ زیرا کار توأم با آگاهی در مسیر زندگی و ترقی فرد و جامعه نقش مؤثر دارد؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: **(وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي تَضَعُ غُلَّتَهَا مِنْ بَدَنٍ قُوَّةً أَنْكَارًا)** [نحل/۱۲]؛ همانند آن زن (سبک‌مغز) نباشید که پشم‌های تابیده خود را، پس از استحکام، وامی‌تابید.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: **«مَنْ عَمِلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُهُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ»** (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۰۸)؛ هر کس بدون علم به کار (مهارت و تخصص) کاری انجام دهد، بیش از آن‌که آباد کند خراب می‌کند.

حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید: **«إِنَّا عَمِلَتْ عَمَلًا فَأَتَمَلَّ بِإِلْمٍ وَعَقْلٍ»** (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۱۱۲)؛ هرگاه می‌خواهی کاری کنی آن را از روی دانش (اطلاع در مورد کار) و خردمندی انجام بده و از آن پرهیز که کاری را نادانسته و بدون تفکر و تدبیر انجام دهی.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: **«فَرَّقَ الْعَامِلُ بَيْنَ عِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَىٰ غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا يَرِيْدُهُ بَعْدَهُ عَنِ الطَّرِيقِ إِلَّا بَعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ وَالْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَىٰ الطَّرِيقِ الْوَاضِعِ»** (نهج البلاغه، ۱۴۱۴، خطبه ۱۵۳، ص ۳۳۹)؛ عمل کننده بدون آگاهی، چون رونده‌ای است که بی‌راهه می‌رود. پس هر چه شتاب کند، از هدفش دورتر می‌شود و عمل کننده از روی آگاهی، چون رونده‌ای بر راه راست است.

آن حضرت در حدیثی دیگر می‌فرمایند: «هر کس احکام شرعی خرید و فروش را نمی‌داند، نباید در بازار به کار مشغول شود» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص. ۱۵۴)

در تبیین بحث، امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «هر صاحب حرفه و صنعتی ناچار باید دارای سه خصلت باشد تا بتواند به وسیله آن تحصیل درآمد کند: اول آن‌که در رشته علمی خویش مهارت داشته باشد؛ دیگر آن‌که با درست‌کاری و امانت رفتار کند؛ سوم آن‌که با کارفرمایان حُسن برخورد داشته باشد و نسبت به آنان ابراز تمایل نماید» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص. ۲۳۶)

ب- کارآفرینی

در سیره معصومین علیهم السلام نه تنها کار و تلاش جایگاه بلندی دارد، بلکه تلاش برای کارآفرینی نیز عمل نیک و پسندیده‌ای است. علی بن شعیب می‌گوید: «به محضر حضرت رضا علیه السلام شرف‌یاب شدم، به من فرمود: «چه کسی از تمام مردم، معاش بهتر و زندگی نیکوتری دارد؟» عرض کردم شما داناترید. فرمود: «کسی که دگران در معاش او به خوبی معیشت نمایند و در پرتو زندگی او مرفه زندگی کنند» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص. ۳۴۱)

ج- توجه به حلال بودن درآمد

از جمله اصول راهبردی اقتصادی در اسلام که بسیار حائز اهمیت می‌باشد، اهتمام و توجه آن به حلیت درآمد است. در نگرش اسلام به دست آوردن روزی حلال، عبادت و بلکه بهترین و برترین عبادات است.

در حدیث قدسی در اهمیت کسب درآمد حلال چنین آمده است که: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ، تَسَعُهُ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص. ۳۷)؛ عبادت و بندگی خدا دارای ده جزء است که نه جزء آن را به دست آوردن روزی حلال تشکیل می‌دهد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «الْبَاءَةُ سَبْعَةٌ أَجْزَاءُ أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۳۷)؛ عبادت هفتاد جزء دارد که برترین آن کسب حلال است.

البته آن‌چه از آموزه‌های اسلام به دست می‌آید، دست‌یابی به درآمد حلال کار آسانی نیست. امام صادق علیه السلام خدمت‌کار خود «مصادف» را با دادن هزار دینار سرمایه، به منظور تجارت، روانه مصر نمود. وی با کاروانی تجاری به مصر رفت. کاروانیان با فهمیدن نایاب شدن کالایشان در مصر، فرصت را غنیمت شمرده و قیمت کالا را دو برابر نمودند و در نتیجه با سودی دو برابر به مدینه برگشتند. هنگامی که مصادف خدمت امام صادق علیه السلام رسید و دو هزار دینار در مقابل آن حضرت گذاشت، حضرت از ایشان ماجرای آن همه سود را جویا شدند و وقتی دانستند که آن سود از طریق تبانی و ایجاد انحصار و بازار سیاه به وجود آمده است، از گرفتن آن امتناع نموده و فرمودند: «بِأَمْصَادِفٍ مُبَالَذَةِ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص. ۱۶۱)؛ ای مصادف مبارزه با شمشیر از به دست آوردن مال حلال آسان‌تر است.

از دیدگاه اسلام، سودهای بادآورده‌ای که گاه از طریق تجارتي صوری و یا انحصاری و گران‌فروشی به دست می‌آید، هرگز مورد پذیرش نبوده و مردود شمرده می‌شود.

د- اشتغال زنان

اسلام به زن نیز مانند مرد حق اشتغال و حق مالکیت و تحصیل ثروت داده است. اسلام هرگز نمی‌خواهد زن، بی‌کار و بی‌عار بنشیند و موجودی بی‌ثمر بارآید. از دیدگاه قرآن کریم، زنان همانند مردان می‌توانند کار کنند و از دست‌رنج خود استفاده کنند.

خدای متعال در سوره نساء می‌فرماید: **(لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ)** [نساء/ ۳۲]؛ زنان نیز از حاصل دست‌رنج خویش بهره‌مند می‌شوند.

هم‌چنین در سوره قصص اشاره می‌کند به این‌که دختران شعیب چوپان بوده‌اند و از این طریق کار و فعالیت را مختص مردان معرفی نمی‌کند: **(وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْكُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءَ وَأُنُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ)** [قصص/ ۲۳]؛ و چون به آب مدین رسید مردمی را دید که از چاه آب می‌کشند و در طرف دیگر دور از مردم، دو نفر زن را دید که گوسفندان را از این‌که با سایر گوسفندان مخلوط شوند جلوگیری می‌کردند.

در روایت مشهور داریم که رسول خدا ﷺ فرمودند: **«طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»** (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰، ص. ۹)؛ طلب رزق مباح و گذران کردن از درآمد حلال، بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

بنابراین در اسلام، حق اشتغال از زنان منع نشده است، آنچه نهی شده، اختلاط زن و مرد در محیط کار است. خداوند در آیات بعد سوره قصص به حیای دختران شعیب و خودداری آنان از اختلاط با مردان اشاره نموده و می‌فرماید: **(قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرِّعَاءَ، جَاءَهُنَّ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ)** [قصص/ ۲۳ و ۲۵]؛ موسی (از دو دختر) پرسید: چرا ایستاده‌اید؟ گفتند: ما آب نمی‌کشیم تا آن‌که چوپان‌ها گوسفندان خود را ببرند. چیزی نگذشت که یکی از آن دو زن که با حالت شرم راه می‌رفت، به سوی موسی آمد.

ل- رعایت اعتدال در کار

از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام در کار و فعالیت، باید جانب اعتدال را رعایت کرد و دچار افراط و تفریط نشد. امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید: **«لَا تُجَاهِدِ الطَّلَبَ جَهَادَ الْقَالِبِ وَلَا تَكُنْ عَلَى الْقَدْرِ إِكْرَالُ الْمُسْتَنْسَلِمِ فَإِنَّ ابْتِغَاءَ النُّضْلِ مِنَ الشَّيْءِ وَالْإِجْمَالِ فِي الطَّلَبِ مِنَ الْعَفْءِ وَلَيْسَتْ الْعَفْءُ بِنَافِعَةٍ رِزْقًا وَلَا الْحِرْضُ بِجَالِبٍ فَضْلًا فَإِنَّ الرِّزْقَ مَشْمُومٌ وَإِسْتِعْمَالُ الْحِرْضِ إِسْتِعْمَالُ الْمَأْتَمِ»** (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص. ۱۰۶)؛ در جستجوی روزی و به دست آوردن معیشت، آن‌چنان کوشش نکن که تمام وقت را فراگیرد و بر مقدار مقرر چنان اعتماد منما که خود را (بدون جنبشی و حرکتی) در اختیار قدر قرار دهی.

جستجوی افزایش روزی زندگی از سنت پیامبر است و در پی روزی بودن از راه آبرومند و صحیح، از عفت به شمار می‌رود. هرگز عفت (خودداری از حرص و طمع) جلوی روزی را نمی‌گیرد و حرص موجب افزایش زندگی نمی‌شود. روزی قسمت شده است. به کار بردن حرص دچار شدن به گناهان است.

در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَيْكُنْ طَلَبُكَ الْمَعِيشَةَ فَوْقَ كَسْبِ الْمَضِيْعِ وَتَوَنُّ طَلَبِ الْخَرِيصِ الرَّاضِي بِدُنْيَاهُ الْمُظْمَنُ إِلَيْهَا وَكَئِنْ أَنْزَلَ نَفْسَكَ مِنْ ذَلِكَ بِمَنْزِلَةِ النَّصْفِ الْمُتَعَفِّفِ تَرَفَعَ نَفْسَكَ عَنْ مَنْزِلَةِ الْوَاهِنِ الضَّعِيفِ وَتَكْتَسِبُ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۸)؛ باید کسب تو برای تأمین زندگی از حد آدم‌های کم کار بگذرد و به اندازه اشخاص حریص دنیا دوست و دل به دنیا داده نرسد؛ پس خود را در کار و کسب، در حد انسانی با انصاف و آبرودار قرار ده و از اشخاص سست و ناتوان بالاتر آر و به کسب آنچه مورد نیاز است پرداز.

آن حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید: «از افراط در کار و تلاش بیش از حد پرهیز و هم‌چنین از سستی و مسامحه‌کاری اجتناب نما که این هر دو، کلید تمام بدی‌ها و بدبختی‌ها است؛ زیرا افراد مسامحه‌کار انجام وظیفه نمی‌کنند و حق کار را آن‌طور که باید ادا نمی‌نمایند و افراد زیاده‌رو، در مرز حق توقف نمی‌نمایند و از حدود مصلحت تجاوز می‌کنند.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۰، ص ۱۵۹)

م- وجدان کاری

وجدان کاری یا تعهد، یکی از مسایل مهم در انجام کار است. یک عامل بدون تعهد، یک عامل خوب نیست. قرآن کریم از زبان حضرت یوسف علیه السلام می‌فرماید: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْم» (یوسف/ ۵۵) (یوسف، به عزیز مصر) گفت: مرا بر خزائن این سرزمین بگمار، که من نگهدارنده‌ام (امین) و کاردارم. از دیدگاه اسلام وجدان کاری و دقت و توجه به درست انجام دادن کار، جایگاه ویژه‌ای دارد. از این دیدگاه، هرکس هر کاری که انجام می‌دهد، باید به بهترین نحو انجام دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وای بر صنعت‌گران امت من از امروز و فردا کردن.» (به نقل از خرمشاهی و انصاری، ۱۳۷۶، ص ۸۶۹)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تبیین مبحث، می‌فرماید: «به وسیله ایمان (باور و تعهد) است که علم و دانش آباد می‌گردد (و نتایج مثبت به بار می‌آورد و به فرد و جامعه سود می‌رساند)». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۲، ص ۲۴۰). آن حضرت در کلامی دیگر، می‌فرماید: «الْحُرْفَةُ مَعَ الْعَقَّةِ خَيْرٌ مِنَ الْغَنِيِّ مَعَ الْفُجُورِ» (نهج البلاغه، ۱۴۰۴، نامه ۳۱، ص ۶۳۷)؛ شغل همراه با پاکدامنی، از ثروت فراوانی که با گناهان به دست آید، بهتر است.

امام موسی کاظم علیه السلام نیز می‌فرماید: «غش کردن از اخلاق مؤمنان نیست.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۳۳۲). هم‌چنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از رنگ کردن (فریب دادن) دیگران سخت پرهیز، که هر کس کسی را فریب کند دیگران نیز او را فریب دهند در مالش، و اگر نداشت در خانواده‌اش.» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۶۰)

ن- احترام به مقام کارگر

پیشوایان معصوم علیهم السلام برای کار و کارگری مقام و جایگاه بالایی قائل بودند و به افراد کارگر و زحمت‌کش احترام می‌گذاشتند.

«انس بن مالک» نقل می‌کند: «هنگامی که رسول اکرم ﷺ از «جنگ تبوک» مراجعت می‌کرد، «سعد انصاری» به استقبال آمد، حضرت با او مصافحه کرد و دست سعد را زبر و خشن دید. فرمود: چه صدمه‌ای و آسیبی به دستت رسیده است؟ عرض کرد یا رسول الله! من با طناب و بیل کار می‌کنم و درآمدم را خرج معاش خانواده‌ام می‌نمایم. حضرت دست او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش با آن تماس پیدا نمی‌کند». (به نقل از حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص. ۵۰)

و- رعایت حقوق کارگر

یکی از مسایل مورد توجه اسلام، رعایت حق کارگر است. روایت شده است که: «پیامبر اکرم ﷺ کسی را نزد امیرالمؤمنین ﷺ فرستاد که بر منبر بالا رو و مردمان را فرا خوان و (چون جمع شدند) بگو: ای مردم! هر کس مزد مزدبگیری را کمتر از اندازه بدهد، باید خود را برای رفتن به دوزخ آماده سازد». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص. ۳۳۲).

در روایتی دیگر امام صادق ﷺ فرمودند: «پلیدترین گناهان سه تاست: کشتن چارپا، نگاه‌داشتن کابین زن و ندادن مزد مزدبگیر». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۱، ص. ۲۶۸)

ه- تأمین اجتماعی کارگران

از دیدگاه اسلام کسی که در جامعه تلاش و کوشش می‌کند، باید آینده‌اش تأمین باشد و با از کار افتادگی نباید از معیشت خود ساقط شود، بلکه بایستی معاش معمولی او پرداخت شود.

روایت شده است که: «پیرمردی نابینا می‌گذشت و از مردم سؤال [گدایی] می‌کرد، امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: این چیست؟ (گدایی یعنی چه) گفتند: پیرمردی نابینا می‌گذشت و از مردم سؤال [گدایی] می‌کرد، امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: این مرد را در جوانی به کار وادار کرده‌اید، اکنون که پیر شده و ناتوان گشته است، از معاش محروم‌ش ساخته‌اید، معاش او را از بیت‌المال بپردازید». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص. ۶۶)

ی- نکوهش افراد تنبل

بیکاری نه تنها ضربه اقتصادی به فرد و جامعه می‌زند، بلکه ضرر و خطر بزرگ‌تر آن متوجه روح و روان فرد می‌شود؛ زیرا انسان را از لحاظ حیثیت و شخصیت واقعی تنزل داده و او را از خوشبختی و سعادت محروم می‌سازد. در مکتب حیات‌بخش اسلام، انسانی که صاحب حرفه است و از دست‌رنج خود مخارج خانواده‌اش را تأمین می‌کند، جایگاه والایی دارد: «لَنْ يَجِبَ الْمُتَرَفُّ الْأَمِينُ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص. ۱۰۰)؛ خداوند بزرگ، صاحب حرفه درست‌کار را دوست می‌دارد، و بر عکس آن کسی که توان کارکردن دارد و مخارج خود را بر دیگری تحمیل می‌کند، ملعون خوانده می‌شود.

رسول گرامی اسلام ﷺ در گفتاری حکیمانه افراد تنبل را مورد نکوهش و سرزنش قرار داده و می‌فرماید: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْفَى كَلَّهُ عَلَى النَّاسِ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مِنْ يَتُولُ» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص. ۱۲)؛ ملعون است ملعون است! کسی که بار زندگی خود را به گردن مردم بیندازد، ملعون است ملعون است! کسی که خانواده‌اش را در اثر ندادن نفقه ضایع و تباه کند.

امام محمد باقر علیه السلام در نکوهش بیکاری و تنبلی می‌فرماید: «الْكَسَلُ وَالصَّجَرُ فَالْتَمَمَا مِفْتَاحَ كُلِّ سُوءٍ إِنَّهُ مِنْ كَيْلِ لَمْ يُوَدَّ حَقًّا وَمَنْ صَوَّرَ لَمْ يَضُرْ عَلَى حَقِّ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۱۷۵)؛ پرهیز از کاهلی و افسردگی، زیرا این دو کلید تمام بدی‌هاست. آدم تنبل حقتش را نمی‌تواند به دست آورد و آدم افسرده‌حال نمی‌تواند در کار حق بردباری ورزد. حضرت، هم‌چنین در مذمت تنبلی فرمودند: «إِنِّي لَأَبْغُضُ الرَّجُلَ يَكُونُ كَسَلَانَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۵۹)؛ همانا من دشمن می‌دارم فردی را که در کارهای خوب زندگی دنیوی‌اش تنبل است؛ زیرا هر کس در کار دنیوی کاهلی کند، نسبت به کار آخرتش کاهل‌تر خواهد بود.

آن حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید: «من در باطن خود کینه‌ای احساس می‌کنم نسبت به کسی که کار و فعالیت برایش دشوار می‌نماید، به پشت در خانه می‌خوابد و می‌گوید خدایا روزی مرا برسان و در طلب رزق نمی‌رود؛ به طور کلی کار را کنار گذاشته و از آنچه خداوند به بشر ارزانی داشته است بهره نمی‌گیرد؛ در حالی که مورچگان از لانه خویش برای طلب روزی بیرون می‌آیند.» (صدوق، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۰۸)

در کلامی دیگر، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کس بتواند چهار چیز را از خویشتن دور نگاه دارد، شایسته آن است که هرگز بدی‌ای به او نرسد. پرسیدند: آن چهار چیز چیست ای امیرمؤمنان؟ فرمود: عجله، لجبازی، خودخواهی و سستی در کار.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۴۳)

۵) فواید کار

الف - احساس لذت

کار کردن لذت‌بخش است. انسان تنبل و بیکار، ارتباط فیزیکی خود را از لحاظ فکری و بدنی با جهان و آنچه در آن است قطع می‌کند و خود را با عالم، بیگانه می‌یابد. هم‌چنین نسبت به امکانات و مواهب خویش نیز احساس بیگانگی می‌کند، از این رو از زندگی به صورتی واقعی و درهم تنیده با واقعیت انسان و زندگی او و هماهنگ با طبیعت اخلاق اجتماع بشری، لذتی نمی‌برد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وَلَوْ كَفَى النَّاسَ كُلَّ مَا يَخْتَاجُونَ إِلَيْهِ لَمَا تَهَيَّأُوا بِالْعَيْشِ وَلَا وَجَدُوا لَهُ لَذَةً» (توحید مفضل، ۱۳۷۹، ص ۸۶)؛

اگر مردمان هر چه را می‌خواستند حاضر و آماده در اختیار داشتند، زندگی برای آنان گوارا نمی‌شد و لذتی از آن نمی‌بردند.

ب - عزت نفس و کرامت نفس

کارکردن احساس کرامت و عزت نفس در انسان پدید می‌آورد و از خواری و حقارت نفس جلوگیری می‌کند. کسی که از زور بازوی خود نان می‌خورد و دست نیاز به سوی کسی دراز نمی‌کند، نزد خود و دیگران دارای ارزش و منزلت است؛ از طرفی دیگر در خود احساس عزت نفس می‌کند، چون توانایی اداره زندگی را دارد.

پیشوایان ما به این فایده مهم کار نیز پرداخته‌اند: «عبدالأعلى آل‌سام» نقل می‌کند: «در یکی از کوچه‌های مدینه، در روزی تابستانی و گرم، با امام صادق علیه السلام روبرو شدم و عرض کردم: فدایت شوم! با مقامی که نزد خدای بزرگ، و با خویشاوندی که با رسول خدا داری، چرا در چنین روزی داغ این اندازه خود را آزار می‌دهی (و برای دنیای خود تلاش می‌کنی)؟ فرمود: ای عبدالأعلى! در طلب روزی از خانه بیرون آمده‌ام تا با این کار، از امثال تو بی‌نیاز باشم». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۷، ص. ۵۵)

ج- تمرکز قوه خیال

یکی از فواید کار این است که باعث می‌شود قوه خیال آدمی بر روی کار متمرکز شود و به چیزهایی که نباید فکر کند، نیندیشد. یکی از دلایل به گناه آلوده شدن انسان، بیکاری و بی‌عاری است.

پدیده بیکاری، افزون بر آن‌که ناهماهنگی با آفرینش است، بستری مناسب برای ارتکاب لغزش‌ها و انحراف‌ها به شمار می‌آید. حضرت علی علیه السلام در این موضوع می‌فرماید: «تَشْكُ إِنْ لَمْ تَشْغَلْهَا شَغْلًا كَثِيرًا» (ورام بن ابی‌فراس، ۱۳۶۹، ج ۵، ص. ۱۳۴)؛ اگر نفس خود را به کاری مشغول نکنی، او تو را مشغول می‌کند.

د- تندرستی

کار یکی از عوامل مهم ایجاد و حفظ سلامت جسمانی است و در نتیجه به صورت غیر مستقیم، ضامن پیش‌گیری از بسیاری از بیماری‌های روحی و اخلاقی خواهد بود. بنابراین، برای آنان که خواهان بدنی سالم هستند، کار و تحرک و فعالیت در حکم نسخه‌ای شفابخش خواهد بود.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «مَنْ يَعْمَلْ يَزِدْ قُوَّةً مِنْ بَصُرٍ فِي الْعَمَلِ يَزِدُّ قُوَّةً» (به نقل از حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص. ۴۴۶)؛ هرکس کار کند، نیرویش افزون‌تر می‌شود و هر کس در کار کردن کوتاهی نماید، سستی او افزایش می‌یابد.

ی- نورانیت و رضوان الهی

با توجه به روایات، انسان‌های بهشتی در قیامت به فراخور کردارشان، هر کدام از درب خاصی وارد بهشت می‌شوند اما هشت درب بهشت خداوند، به روی کسانی که به کسب و کار حلال مشغولند، باز است. کسانی که در پی کسب روزی حلال برای بی‌نیازی خود و خانواده خود هستند، با چهره‌ای نورانی وارد عرصه محشر می‌شوند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اسْتِغْفَافًا عَنِ النَّاسِ وَسَفِيحًا عَلَىٰ أَهْلِهِ وَتَطْفَأَ عَلَىٰ جَارِهِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهَهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص. ۲۱)؛ کسی که از پی مال مشروع برود برای آنکه آبروی خود را از ذلت سؤال مصون دارد و عائله خویش را اداره کند، و به همسایه خود کمک نماید، در پیشگاه الهی سربلند و رو سفید است و صورتش مانند ماه تمام، می‌درخشد.

در حدیثی دیگر، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ حَلَالًا فَحُجَّ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ» (شعیری، ۱۴۰۵، ص. ۱۳۹)؛ هر کس از دست‌رنج حلال خود بخورد، درهای بهشت به روی او گشوده می‌شود، تا از هر دری که خواست وارد شود.

۶) معصومین علیهم السلام اسوه‌های عملی کار و تلاش

ارزش کار اقتصادی در متون دینی چنان است که برترین انسان‌ها به آن می‌پرداختند. انسان در صورتی می‌تواند معنی کار و رنج بردن از آن و وضعیتی را که کارگران با آن روبرو هستند احساس کند که خود اهل تلاش و کوشش باشد، و از واقعیت ناکامی و ناداری ناداران و سختی کار و کوشش آگاه شود.

هر کس که هدفش تربیت و راهنمایی مردم در زندگی است و می‌خواهد خود را برای این کار مهم بسازد، لازم است که از حقیقت رنج و تلخی و بدبختی‌یی که مردمان با آن دست به گریبان‌اند از نزدیک آشنا شود، تا برای نزدیک شدن به ایشان توفیق حاصل کند و مسایل و مشکلات آنان را به صورتی ملموس دریابد و چنان نباشد که سخن و اندرز و موعظه و جهت‌دهی او در یک وادی باشد و مردمان در وادی دیگر.

معصومین علیهم السلام که رهبر و مربی مردم بودند، نه تنها مردم را تشویق و ترغیب به کار و تلاش و فعالیت می‌کردند بلکه خود اسوه‌های عملی سعی و کوشش بودند. روایات متعددی دربارهٔ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دلالت دارد بر این‌که آن حضرت افزون بر «شبانی» گوسفندان در اطراف مکه، به تجارت نیز می‌پرداخت. قبل از نبوت، در جایگاه عامل تجاری، در کاروان حضرت خدیجه رضی الله عنها فعالیت داشت و پس از بعثت، گاهی برای تأمین زندگی خرید و فروش می‌کرد و گاهی نهال می‌کاشت». (به نقل از عطاردی، ۱۳۹۰، ص. ۲۱)

زندگی امیرمؤمنان علی رضی الله عنه نیز سرشار از مواردی است که نشان می‌دهد حضرت برای تأمین زندگی به کار می‌پرداختند. از حضرت نقل شده که روزی گرسنگی شدیدی به من دست داد، در اطراف مدینه در جست‌وجوی کار بر آمدم. به زنی برخوردم که کلوخی برای گِل کردن جمع کرده بود. قرار گذاشتم که در مقابل هر خشت، یک دانه خرما مزد بگیرم. شانزده عدد ساختم تا آن‌که دستانم تاول زد؛ آن‌گاه شانزده دانه خرما گرفتم و به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم و با من از آن خرما تناول نمودند». (اریلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص. ۱۷۵)

آن حضرت از مال و زحمت بازوی خود، هزار برده آزاد کرد؛ باغ‌های بسیاری احداث کرد، چاه‌های متعددی پدید آورد و به آب رساند و آنان را در راه خدا وقف کرد. هرگاه از جهاد فارغ می‌شد، برای آموزش به مردم و داوری بین آن‌ها حضور می‌یافت و آن‌گاه که فراغت می‌یافت، در باغ خود کار می‌کرد، در حالی که همواره ذاکر خدا بود. روایت شده است که: «امیرالمؤمنین رضی الله عنه یک درهم خرما خریداری کرد و شخصاً آن را می‌برد؛ بعضی روی ارادت به رئیس مملکت گفتند: اجازه دهید آن را برای شما بیاوریم. حضرت در جواب فرمود: «کسی که عائله دارد به حمل متاع خود شایسته‌تر است». (ورام‌بن ابی‌فراس، ۱۳۶۹، ج ۱، ص. ۲۳)

آن حضرت با دستان خود کار می‌کرد و در راه خدا به جهاد می‌رفت. او را می‌دیدند که با یک قطار شتر، با بار هستهٔ خرما، در حرکت است؛ و چون به او می‌گفتند: یا علی! این‌ها چیست؟ می‌گفت: درخت خرما ان‌شاءالله؛ پس آن‌ها را می‌کاشت و حتی یکی از هسته‌ها را دور نمی‌انداخت». (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص. ۷۵)

«ابی عمرو شیبانی» گفته است: «امام صادق علیه السلام را دیدم که بیلی در دست و جامه خشنی در بر داشت، در محوطه شخصی خود کار می‌کرد و عرق از پشتش می‌ریخت. عرض کردم بیل را به من بدهید تا کار شما را انجام دهم. حضرت فرمود: «دوست دارم که مرد در راه به دست آوردن معاش، آزار حرارت آفتاب را ببیند و رنج آن را تحمل نماید».

(حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص. ۳۹)

«علی بن حمزه» گفته است: «رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام يَمَلُّ فِي أَرْضِ لَهُ قَدِ اسْتَمْتَمَتْ قَدَمَاهُ فِي الْعَرَقِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيْنَ الرَّجَالُ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ قَدْ عَمِلَ بِالْيَدِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي فِي أَرْضِهِ وَمِنْ أَبِي قُلْتُ: وَمَنْ هُوَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَأَبَائِي كُلُّهُمْ كَانُوا قَدْ عَمِلُوا بِأَيْدِيهِمْ وَهُوَ مِنْ عَمَلِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالصَّالِحِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۸، ص. ۱۱۵)؛ امام کاظم علیه السلام را دیدم که حضرت در حال کار در زمین بود؛ به گونه‌ای که پاهایش غرق در عرق بود. به او گفتم: غلامان و کارگران کجایند؟ چرا خود را به زحمت انداخته‌ای؟ فرمود: ای علی! کسانی با دستانشان بر زمین کار کرده‌اند که از من و پدرم بهتر بوده‌اند. گفتم آنان کیانند. فرمود: رسول خدا و امیرمؤمنان و پدرانم علیهم السلام، تمام آنها با دستان خود کار می‌کردند و این از شیوه پیامبران و رسولان و اوصیاء و صالحان است.

۷) کارهای حرام

از دیدگاه اسلام راه کسب درآمد خیلی اهمیت دارد، به طوری که یکی از اولین سؤالاتی که در جهان بعد از مرگ مطرح می‌شود، سؤال از چگونگی کسب مال است.

رسول معظم اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَمْرٍ عَمَّرَ فِيهَا أَفْئَاهُ وَشَبَّاهُ فِيهَا أَبْلَاهُ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ كَسَبَهُ وَفِيمَا أَفْتَقَهُ» (به نقل از فلسفی، ۱۳۳۸، ج ۲، ص. ۴۰۵)؛ قدم‌های هیچ‌یک از بندگان، در قیامت جابجا نمی‌شود تا مورد پرسش چهار سؤال واقع شود. از عمرش؛ که در چه راه فانی نموده؛ از جوانی‌اش؛ که در چه کاری فرسوده‌اش ساخته؛ از عملش، که چگونه بوده و چطور انجام داده؛ و از مالش، که از کجا به دست آورده و در چه راهی صرف نموده است و از دوستی ما اهل بیت.

هم‌چنین از دیدگاه اسلام، انفاق از مال حرام پذیرفته نیست. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (اتَّقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ) [بقره/۲۳۷]؛ از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید انفاق کنید.

برخی از شغل‌های حرام عبارت‌اند از:

الف - کار با حاکم ظالم

هرچند کار، عمل مباحی است که در دین مبین اسلام بر آن تأکید شده است اما بعضی کارها حرام است و دست زدن به آنها، گناه است.

یکی از کارهای حرام، کسب و کار با ظالم و شراکت با اوست؛ زیرا حاکم ظالم، دشمن خدا و خلق خداست و هر گونه همکاری با وی باعث تقویت ظالم می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «صورت حرام از ولایت و فرمان‌داری، ولایت والی ستم‌گر و ولایت والیان منصوب‌شده اوست، چه رئیس ایشان و چه در درجات پایین‌تری از فرمان‌داری تا پایین‌ترین آنان، که هر کدام بر عده‌ای حکومت و ولایت دارند. کار کردن برای ایشان و کسب کردن با ایشان حرام است؛ و کسی که کم یا زیاد، با ایشان و برای ایشان کار کند به عذاب خدا گرفتار خواهد شد؛ زیرا هر کاری که کمک به ستم‌گر باشد گناه کبیره است و از آن جهت چنین است که در حکومت والی ستم‌گر، حق به کلی پایمال می‌شود، و باطل یک‌سره زنده می‌گردد و ستم و جور و فساد علنی می‌شود، و کتاب‌های آسمانی (هر یک در زمان خویش) متروک می‌ماند و پیامبران و مؤمنان کشته می‌شوند و مساجد ویران می‌گردد و سنت خدا و احکام او تبدیل پیدا می‌کند؛ از این رو کار کردن با ایشان [حاکمان جائر] و یاری رساندن به ایشان و کسب کردن با ایشان حرام است، مگر در حدّ ضرورت (و به اندازه آن)، مانند ضرورت خوردن خون و گوشت مردار». (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶، ص. ۳۳۹)

ب- کسب درآمد از طریق احتکار

در آموزه‌های دین مبین اسلام، مال و ثروت وسیله تأمین نیازمندی‌ها و سبب قوام جامعه دانسته شده و در نتیجه کنز و راکد نگه داشتن آن ممنوع و مردود شناخته شده است.

در قرآن کریم کنز کنندگان به شدت مورد توبیخ و تهدید قرار گرفته و به آنان وعده عذاب دردناک داده شده است، که این امر بیان‌گر پیامدهای جبران‌ناپذیر کنز اموال در جامعه است: (وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالنَّضْرَ وَلَا يَنْفِقُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ، يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارٍ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَلَوْ قَوْمًا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ) [توبه/ ۳۴-۳۵]؛ و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می‌سازند، و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده؛ در آن روز که آن را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده، و با آن صورت‌ها و پهلوها و پشت‌هایشان را داغ می‌کنند؛ (و به آن‌ها می‌گویند): این همان چیزی است که برای خود اندوختید (و گنجینه ساختید)! پس بچشید چیزی را که برای خود می‌اندوختید.

«مفهوم «کنز» بیان‌گر نگهداری، ذخیره و منع جریان مال در معاملات است و مفهوم «فی سبیل الله» نماینده هر چیزی است که برپایی دین خدا و جلوگیری از فروپاشی بنیان‌های آن هم‌چون جهاد، مصالح واجب دین و امور جامعه اسلامی به آن بستگی دارد. پس هر کس مال را به خود اختصاص دهد، به خدا و پیامبرش (در امانتی که به او سپرده شده) خیانت کرده است و اگر ثروت خود را هر چند زیاد در چرخه سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و تجاری قرار دهد و به دیگران خدمت کند، هیچ‌گونه منعی ندارد.

بنابراین، این آیه اختصاص به نکوهش و نپرداختن زکات ندارد، بلکه جلوگیری از گردش اموال در تأمین همه ضروریات جامعه دینی را شامل می‌شود». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص. ۳۳۴-۳۳۲)

در نتیجه‌گیری این بحث، به این کلام رسول خدا ﷺ اشاره می‌شود که: «واردکننده گندم و خواربار روزی یاب است و انبارکننده طعام، مورد لعن و دوری از رحمت حق [است]». (صدوق، ۱۳۶۷، ج ۴، ص. ۳۶۱)

ج- خرید و فروش چیزهایی که عین نجس است؛ مانند مدفوع انسان، خوک، سگ و شراب

پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «یا علی! بهای میتة و بهای سگ و بهای شراب، از اقسام سحت و از مکاسب حرام و پلید است»؛ (صدوق، ۱۳۶۷، ج ۶، ص. ۲۷۴)

د- خرید و فروش کالای مضر به حال جامعه، مانند: مواد مخدر، مشروبات الکلی، نوارهای موسیقی مستهجن و آنچه موجب ضعف یا سقوط اسلام و مسلمانان شود

خداوند متعال می‌فرماید: (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمْ أَكْبَرُ مِنِّهَا) [بقره/۲۱۹]؛ درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند؛ بگو در آن‌ها گناه و زیان بزرگی است و منافی از نظر مادی برای مردم دربردارد؛ ولی گناه آن‌ها از نفع‌شان بیشتر است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «فروش هر چیز سرگرم‌کننده و تمام چیزهای حرامی که به غیر خدا بدان تقرب جویند، یا هر چیزی که به نوعی در تقویت یکی از انواع ضلالت و گمراهی مؤثر باشد و باطل و ناحقی به سبب آن جان گیرد و درست و حقیقتی سست و ضعیف گردد، در تمامی این موارد، خرید و فروش و نگه‌داشتن و ملکیت و بخشیدن و عاریه دادن و هرگونه تصرف در آن جز در حال ضرورت و اضطرار، حرام و ممنوع است». (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۰، ص. ۳۱۵)

ف- خرید و فروش آلات قمار و لهو و لعب

امام صادق علیه السلام فرمودند: «و خداوند تنها آن صنعت و حرفه‌ای را تحریم نموده که تماماً حرام است و منحصرأ فساد برانگیز باشد؛ نظیر: ساختن هر آلت لهوی و صلیب‌سازی و ساختن بُت و مانند آن هم‌چون صنعت ساخت نوشابه‌های حرام و آنچه صلاح و خیری در آن نیست و فساد محض است و عاری از هر مصرف سودمندی است؛ در این صورت آموزش و آموختن و عمل به آن و دریافت دست‌مزد بر آن، و خلاصه هرگونه تصرف در آن‌ها نامشروع و حرام است». (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۰، ص. ۳۱۷)

ق- کسب درآمد از طریق غنا

در روایات، دریافت اجرت زنا و بهای کنیز خواننده و رقاصه جزو گناهان کبیره به حساب آمده است؛ (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۲، ص. ۳۹۲). امام صادق علیه السلام فرمودند: «ساز و آواز از کارهایی است که خداوند عزوجل بر آن وعده عذاب آتش داده است، و آن قول خداوند بزرگ است که فرموده: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»^۱ (صدوق، ۱۳۶۷، ج ۵، ص. ۳۹۵).

۱- (لقمان/ ۶). «و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است».

آن حضرت در حدیثی دیگر فرمودند: «الْمَغْنِيُّ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَكَلَ كَسْبَهَا» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۲۰)؛ زن آوازه‌خوان ملعون است، کسی که مزد او را بخورد [نیز] ملعون است.

ک- کسب درآمد از طریق قمار

امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ»^۱، فرمودند: «ذلک القمار»؛ مقصود مالی است که از مجرای قمار به دست می‌آید. (به نقل از فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۴۰۳).

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نَهَى عَنْ جَمِيعِ الْقِمَارِ وَأَمَرَ الْعِبَادَ بِالْاجْتِنَابِ مِنْهَا وَسَمَّاهَا رَجْسًا فَقَالَ رَجَسَ مِنَ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» (به نقل از فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۴۰۳)؛ خداوند تمام اقسام قمار را تحریم کرده و به مردم فرمان داده است از آن اجتناب نمایند. خداوند قمار را پلیدی خوانده و آن را عمل شیطانی دانسته و مردم را از آن بر حذر داشته است.

ل- معامله‌ای که متضمن ربا باشد

قرآن کریم در نهی از رباخواری می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ) [بقره/۲۷۸]؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید و آنچه را از ربا باقی مانده رها کنید اگر ایمان دارید. خدای متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) [آل عمران/۱۳۰]؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا را چند برابر نخورید و از خدا بپرهیزید تا رستگار شوید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف بزرگی این گناه می‌فرماید: «یا علی! یک درهم رباخواری در نزد خدا از هفتاد مرتبه زنا کردن با محارم از نظر گناه و عقوبت، بزرگ‌تر است». (به نقل از خراسانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۷۱)

م- معامله‌ای که متضمن غش باشد

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی مسلمانان را از استفاده از این روش بر حذر داشته و فرموده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا» (به نقل از خرمشاهی و انصاری، ۱۳۷۶، ص ۳۹۸)؛ هر کس در خرید و فروش با مسلمانی غش کند، از ما نیست. امام موسی کاظم علیه السلام نیز فرمودند: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ غَشَّ أَخَاهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۳۱)؛ ملعون است ملعون است کسی که با برادرش غش کند.

(باقری بیدهندی، ۱۳۶۳، ص ۲۷۲)

غش مسلم هست بر مسلم حرام	گفت پیغمبر سرفراز انام
نامسلمانی است سلمانی کند	هر که غشی با سلمانی کند
نیست او را بهره از اسلام من	هر که بفریبد سلمانی بفرن
باشد از اسلام یکسر بی‌نصیب	هر که بدهد یک مسلمان را فریب

۱- (نساء/۲۹). «اموال یک‌دیگر را به باطل و به طور غیر مشروع تصرف نکنید».

نیست در ما غش و از ما نیست غاش	چون که از ما نیست نابود است لاش
چون مسلمانی است مقصود از وجود	نامسلمان را بیین بودش نبود
در مسلمانی است چون حس مآل	نامسلمان را بگو بر خود مبال

ن- خرید و فروش جنسی که مقصود از آن، انجام کار حرام باشد

امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَقَدْ رَسُوهُ اللهُ فِي الْخَمْرِ عَشْرَةَ عَارِسَهَا وَعَاصِرَهَا وَشَارِبَهَا وَسَاقِيَهَا وَالْمُخْمُولَةَ إِلَيْهِ وَبَاتِعَهَا وَمُشْتَرِبَهَا وَأَكَلَ نَمَتِهَا» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۴۲۹)؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد شراب، ده نفر را لعنت نموده است: کسی که درخت آن را غرس کند، و کسی که از درخت آن نگه‌داری نماید، و کسی که آب آن را بفشرد، و کسی که آن را بنوشد، و کسی که ساقی آن شود، و کسی که آن را حمل کند، و کسی که برای او حمل شود، و کسی که آن را بفروشد؛ و کسی که آن را بخرد؛ و کسی که پول آن را بخورد.

و- آدم‌فروشی

نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت: ای محمد! برستی که شریرترین و فسادکننده‌ترین مردم از امت تو، کسانی هستند که انسان خرید و فروش می‌کنند.» (صدوق، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۰۹)

۷) نتیجه‌گیری

کار و تلاش در اسلام، جایگاه بالایی داشته و یک عبادت همانند سایر عبادات حتی گاهی بهتر از آن‌ها به شمار می‌آید. معصومین بزرگوار علیهم السلام با سخن و عمل خود، مردم را به سوی کار و تلاش همراه با علم و تخصص و تعهد دعوت می‌کردند و به جهاد و تلاش اقتصادی رنگ و بوی معنوی می‌دادند. از دیدگاه ایشان، افراد بیکار و تنبل افرادی مطرود و کم‌ارزش به شمار می‌آمدند.

در اسلام کار و کوشش مخصوص جنس یا گروه خاصی نیست بلکه همه می‌توانند فعالیت اقتصادی داشته باشند و از حاصل دست‌رنج خویش بهره‌مند شوند. این توجه بالای اسلام به مقام و ارزش کار و فعالیت باعث شد که مسلمانان با کار و تلاش خستگی‌ناپذیر خود، بزرگ‌ترین تمدن را به وجود آوردند. در حال حاضر نیز اگر مسلمانان بخواهند موقعیت از دست رفته خود را بازیابند، باید به دستورات اسلام جامه عمل بپوشانند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج‌الخطابه، (۱۳۷۴)، سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام، ترجمه علم‌الهدی خراسانی، تهران: کتابخانه صدر.
۳. نهج‌البلاغه، (۱۴۱۴)، سید شریف رضی، ترجمه حسین انصاریان، قم: هجرت.

۴. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، (۱۳۷۷)، خصال، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران: انتشارات کتاب‌چی.
۵. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، (۱۳۶۷)، من لا یحضره الفقیه، ترجمه علی‌اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۶. ابن شعبه حرانی، ابومحمد حسن بن علی بن حسین، (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم: جامعة المدرسين.
۷. همان، (۱۳۸۰)، تحف العقول، ترجمه بهراد جعفری، تهران: انتشارات اسلامیه.
۸. همان، (۱۳۷۶)، رهاورد عقول، ترجمه تحف العقول، پرویز اتابکی، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
۹. ایربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱)، کشف الغمه، تبریز: مکتبه بنی‌هاشمی.
۱۰. باقری بیدهندی، ناصر، (۱۳۶۳)، گنج حکمت یا احادیث منظوم، قم: کتاب‌فروشی و نشر روح.
۱۱. حکیمی، محمدرضا، و همکاران، (۱۳۸۰)، الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. حر عاملی، محمد حسن بن علی، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت ﷺ.
۱۳. خرمشاهی، بهاء‌الدین، انصاری، مسعود، (۱۳۷۶)، پیام پیامبر ﷺ، تهران: انتشارات منفرد.
۱۴. شعیری، تاج‌الدین، (۱۴۰۵)، جامع الأخبار، قم: انتشارات رضی.
۱۵. صفاخواه، محمدحسین، (۱۳۷۶)، گلچین صدوق، تهران: فیض کاشانی.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴)، تفسیرالمیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی ﷺ.
۱۷. عطاردی، عزیزالله، (۱۳۹۰)، زندگانی چهارده معصوم ﷺ، تهران: انتشارات اسلامیه.
۱۸. فلسفی، محمدتقی، (۱۳۶۸)، الحدیث - روایات تربیتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۵)، الکافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، قم: اسوه.
۲۰. مجلسی، سید محمدباقر، (۱۴۰۴)، بحار الأنوار، تهران: انتشارات اسلامیه.
۲۱. مفضل بن عمر، (۱۳۷۹)، توحید مفضل، منسوب به امام جعفر صادق ﷺ، ترجمه محمدباقر مجلسی، تهران: چاپ باقر بیدهندی.
۲۲. نوری، محمدحسین، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت ﷺ.
۲۳. ورامین ابی‌فراس، (۱۳۶۹)، مجموعه ورام، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: آستان قدس رضوی.